

می خواهم توبہ کنم اما!!!

تالیف: محمد صالح المنجد

ترجمہ: حسین رستمی

سرشناسه	:	منجد، محمدصالح Munajjid, Muhammad Salih
عنوان قراردادی	:	ارید ان اتوب و لکن. فارسی
عنوان و نام پدیدآور	:	می خواهیم توبه کنیم اما!!!!/ تألیف محمدصالح المنجد؛ ترجمه حسین رستمی.
مشخصات نشر	:	سندج: آراس، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	:	۹۱ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸۲-۴۶-۳
وضعیت فهرست	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	:	توبه (اسلام)
پایه افزایی	:	رستمی، حسین، ۱۳۵۴ - مترجم
رده بندی کنگ	:	۱۳۹۵ ۴۰۴ الف ۷۶ م / BP۲۲۵
رده بندی درایی	:	۲۹۷/۴۶۴
شماره کتابشناسی	:	۴۳۲۱۸۴۷
ملی		

انتشارات آراس

می خواهیم توبه کنیم اما!!!!

تألیف: محمد صالح المنجد

ترجمه: حسین رستمی

طراح جلد: شعیب مکتب اری

صفحه آرای: صمد احمدی ناز

ناشر: آراس

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸۲-۴۶-۳

مرکز پخش: سندج پاساژ عزتی انتشارات آراس

تلفن: ۰۸۷-۳۳۱۲۸۳۴۱

فهرست مطالب

مقدمه‌ی مترجم	۵
مقدمه‌ی مؤلف	۱۰
مقدماتی در خطر ناچیز شمردن گناهان	۱۳
شرایط توبه - عوامل تکمیلی آن	۱۷
توبه‌ی بسیار بزرگ	۲۶
توبه، تمام گناهان را از خود را از بین میبرد	۲۹
آیا خدا من را میبخشد؟	۳۱
توبه‌ی قاتل صد نفر	۳۵
هرگاه گناه کردم، چگونه عمل کنم؟	۴۱
دوستان بد به من حمله‌ور میشوند	۴۶
آیا پروردگارت سزاوار اطاعت است یا همنشینان بد؟	۴۸
آنان مرا تهدید می‌کنند	۵۰
گناهانم زندگیم را دچار اضطراب کرده است	۵۵
آیا اعتراف کنم؟	۵۷
فتواهای مهم برای توبه‌کنندگان	۶۱
سخن پایانی	۸۳

مشو نومید از ظلمی که کردی که دریای کرم توبه‌پذیر است
گناهت را کند تسبیح و طاعت که در توبه‌پذیری بی‌نظیر است.

دیوان شمس: ۳۴۸

مقدمه‌ی مترجم

توبه آغازی است برای یک زندگی جدید و سالم، تلنگری است بر نفس خطاپیشه، بازگشتی است به سوی حق، به خدا عارف شدن است، نور است در تاریکی، هدایت است در گمراهی، رشاد است در بی‌راهی، پاکی است در عین زشتی و بی‌گناهی است در عین گناه؛ توبه به خود امدن است، در خود اندیشیدن است، طعم تقوی را چشیدن است. توبه کشیدن است، نور حق را دیدن است؛ توبه را دریاب، شاید فردایی نباشد، توبه را دریاب، شاید فرصتی نمانده باشد، توبه را دریاب که وقت اندک است، توبه را دریاب که روح در عذاب است.

توبه یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است که بنده‌ی خود را از آن متنعم ساخته است. توبه به مانند آبی است که آتش درون آدمی را خاموش می‌کند و او را از آتش دوزخ بیامان و نجات می‌دهد. توبه یک نعمت، یک لطف الهی و یک فرصت دوباره است، پس سعی کن از آن فرصت به درستی استفاده کنی. فرصت همیشه دست نمی‌دهد؛ در همان لحظه‌ای که تصمیم به توبه گرفتی و از گناهان خود اظهار پشیمانی کردی، در همان لحظه، به درگاه الهی توبه کن. بگذار رازی باشد میان بنده و خالقش. لازم نیست کسی از آن آگاه باشد. این مشکلی است که بنده با خدای خویش در میان

می‌گذارد و چه کسی بهتر از خدا می‌تواند مشکلات آدمی را حل کند. نگوی: «دیگر دیر شده است». برای توبه هیچ‌گاه دیر نیست؛ اگر دروغ گفته‌ای، اگر دزدی کرده‌ای، اگر غیبت کرده‌ای، اگر تهمت زده‌ای، اگر ربا خورده‌ای، اگر زنا کرده‌ای، اگر لواط کرده‌ای، اگر زن کرده‌ای، اگر کفر گفته‌ای، اگر بر علیه خدا سلاح به دست گرفته‌ای و هر آن‌چه که خود آن را بد می‌دانی انجام داده‌ای، بدان که باز در توبه در پشیمانی، در بازگشت به سوی خدا، همیشه باز است. آخر سر هر و رحمت الهی همیشه برای بخشش گناهان بنده-اش باز است؛ زیرا خداوند توبه‌پذیری مهربان است.^۱ در حقیقت تا گناهی نباشد، لطف الهی آن‌کار نگردد. به همین خاطر است که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «اگر شما گناه نمی‌کردید، حتماً خداوند آفریدگان دیگری پدید می‌آورد که گناه کنند [و طلب آمرزش نمایند و آن‌گاه] خداوند آنان را بیامرزد».^۲ رحمت خدا بر غضبش پیشی جسته^۳، از همین رو دوست می‌دارد که گناه بنده‌اش را ببخشد.

۱- «و من توبه‌پذیر و مهربانم» (بقره/۶۰)

۲- «وَلَوْلَا اَنَّكُمْ تُذُنُّوْنَ لَخَلَقَ اللّٰهُ خَلْقًا يُّذُنُّوْنَ بِغَيْرِ حِسْمٍ» (مسلم: ۲۷۴۸؛ ترمذی: ۳۵۳۹، ۳۵۵۰؛ احمد: ۲۳۵۷۴).

۳- «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: سَبَقَتْ رَحْمَتِي غَضَبِي». از ابوهریره رَوایت است که رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند ﷻ می‌فرماید: رحمت من بر غضب من پیشی گرفت» (بخاری: ۳۱۹۴، مسلم: ۲۷۵۱، احمد: ۶۹۰۳).

رسول خدا ﷺ فرمود: «پروردگار بلندمرتبه آن‌گاه که یک سوم شب باقی است بر آسمان دنیا نزول کرده و می‌فرماید: چه کسی مرا می‌خواند، تا او را اجابت گویم؟ چه کسی از من می‌خواهد تا او را ببخشایم؟ چه کسی از من طلب آمرزش می‌کند تا او را بیامرزم؟»^۱

ای بنده‌ی خطاکار! تو در بزرگی گناه خود میندیش، بلکه در بزرگی و فراخی بخشش خداوند نظر کن. بخشش خداوند بسی فراخ است و بر هر چیزی سایه گسترده است. از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود: «مردی بود که هیچ کار نیکی انجام نداد، بود به فرزندان خود گفت: هر زمانی که بمیرم مرا بسوزانید و سپس مرا بسایید سپس نصف آن را بر باد دهید و نصف دیگرش را در دریا بریزید. به خدا قسم! اگر پروردگارم بر من سخت گیرد که مرا عذاب نماید عذابی خواهد کرد که کسی را آن‌گونه عذاب نداده است. چون او مرد، وصیت او را اجرا کردند. خداوند به زمین دستور داد تا هر آن‌چه را از اجزای او در آن است، جمع کند. [زمین همان کار را کرد] و به دریا هم دستور داد. [ناگهان او زنده شد و در حضور خداوند ایستاد] خداوند از او پرسید: چه چیز تو را واداشت که چنین کردی؟ گفت: پروردگار! از ترس تو، و خود بهتر می‌دانم. پس خداوند او را بخشید»^۲

^۱ - موطأ: ۴۹۶؛ بخاری: ۱۱۴۵؛ مسلم: ۷۵۸؛ ابوداود: ۱۳۱۵؛ ترمذی: ۳۴۹۸؛ ابن ماجه: ۱۳۶۶

احمد: ۷۶۱۱

^۲ - بخاری: ۷۵۰۶؛ مسلم: ۲۷۵۶.

اگر توبه کردی و خواسته یا ناخواسته آن را شکستی، دوباره توبه کن، چون همیشه راه توبه باز است:

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از خداوند حکایت کرد که فرمود: «بنده‌ای گناهی کرد و سپس گفت: پروردگارا! مرا ببخش. خداوند تعالی می‌فرماید: بنده‌ی من گناه کرد و دانست که خدایی دارد که گناه را می‌بخشاید و بدان وسیله عاقبت می‌کند. سپس برگشت و باز گناهی کرد و سپس گفت: پروردگارا! مرا ببخش. خداوند تعالی می‌فرماید: بنده‌ی من گناه کرد و دانست که خدایی دارد که گناه را می‌بخشاید و بدان وسیله عاقبت می‌کند. سپس برگشت و باز گناهی کرد و سپس گفت: پروردگارا! مرا ببخش. خداوند تعالی می‌فرماید: بنده‌ی من گناه کرد و دانست که خدایی دارد که گناه را می‌بخشاید و بدان وسیله عاقبت می‌کند. هر چه خواهی بکن که من تو را آمرزیدم»^۱.

و چیز دیگری که قابل تأمل است، مصمم بودن در توبه و پشیمانی و طلب استغفار است: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در دعا کردن نباید چنین گفت: پروردگارا! اگر خواستی مرا بیامرز! اگر خواستی به من رحم کن! بلکه باید در

دعا مصمم بود؛ زیرا خداوند به وجود آورنده‌ی هر چیزی است و در انجام بخشش اکراهی و اجباری بر او نیست^۱.

آیا حال وقت آن نشده است که به درگاه خدا توبه آری؟!

ای خفته شب تیره، هنگام دعا آمد	وی نفس جفا پیشه، هنگام وفا آمد
بنگر به سوی روزن، بگشای در توبه	پرداخته کن خانه، همین نوبت ما آمد
از جرم و جفا جوئی چون دست نمی‌شویی	بر روی بزن آبی، میقات صلا آمد
زین قبله یاد آری، چون رو به لحد آری	سودت نکند حسرت، آن‌گه که قضا آمد
زین قبله یو نوری، تا شمع لحد باشد	آن نور شود گلشن، چون نور خدا آمد

(دیوان شمس: غ ۶۱۱)

حسین رستمی

۱۳۹۵/۴/۳۱ مه‌آباد